



رسالت کابینه جدید خاتمی

در طول چند هفته گذشته، محافل و مطبوعات وابسته به آنها، مسئله تشکیل کابینه جدید خاتمی را در صدر مسائل سیاسی ایران قرار دادند. بلندگوهای تبلیغاتی حکومت، نخست بازارگرمی سیاسی - تبلیغاتی خود را باگمانه زنی‌های ژورنالیستی مرسوم در جامعه سرمایه داری در مورد ترکیب کابینه جدید، نقش اصلاح طلبان " در این کابینه" چهره های "شاخص و کارآمد" سهم زنان و غیره و غیره آغاز کردند. در حالی که تبلیغات برای سرگرم کردن مردم در جریان بود، حتی پادوان دست دوم تبلیغات چی رژیم هم این را می دانستند که قرار و مدارها از مدتها پیش یعنی زمانی که خاتمی با تأیید و حمایت هردو جناح، خود را مجددا کاندیدی ریاست جمهوری کرد، گذاشته شده است. این را نیز می دانستند که با مختومه اعلام شدن پرونده "اصلاحات" خاتمی، او دیگر حتی برای بزک کردن کابینه اش نیازی به امثال مهاجرانی و نوری هم نخواهد داشت. معهذاً پرده اول نمایش تبلیغاتی رژیم می بایستی با نمایش مسخره دیگری تکمیل گردد و هنگامی که خاتمی کابینه جدید خود را به مجلس معرفی می کرد، "اصلاح طلبان" قیافه ای عبوس به خود بگیرند و شوکه شوند. سرانجام هم هر دو جناح با رای قطعی خود، تمام وزرای پیشنهادی را تأیید کنند. کابینه ای که از مجلس ارتجاع رای اعتماد گرفت، اکنون چنان یک دست است که مورد تأیید هر دو جناح قرار گرفته است. حال دیگر برای آنها مهم نیست که وزرا بیشتر به این جناح متمایل باشند یا به جناح دیگر، محافظه کار باشند یا "اصلاح طلب" اما مهم این است که اولویت مسئله اقتصاد در دستور کار قرار گرفته است و خاتمی این وظیفه را برعهده گرفته است که "اصلاحات" اقتصادی را از همانجائی که در اواخر دوره زمامداری رفسنجانی زیر فشار اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان گسسته شد، پیگیرانه دنبال کند. "اصلاحاتی" که هم مورد تأیید بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است، هم مورد تأیید خامنه ای و رفسنجانی، عسکروادادی، خاموشی و جبهه دوم خردای ها. در همین چند روز گذشته نیز هیئت های اقتصادی انحصارات جهانی به ایران آمدند تا بر ضرورت این "اصلاحات" تأکید کنند. مدیر جهانی برنامه عمران سازمان ملل هم که به تهران آمد، فرصت را غنیمت شمرد و از این که روند "اصلاحات" اقتصادی کند بوده است، گله کرد. سفرا و وابسته گان بازرگانی قدرتهای امپریالیست جهانی نیز توصیه های در همین زمینه به دولت داشتند.

بیانیه نشست مشترک

جامعه ایران، اکنون دچار یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی است. این بحران ناشی از اوج گیری بی سابقه تضادهائی است که از ماهیت نظام حاکم بر ایران برمی خیزد و نشانه های آن به شکل آشکار در مبارزات کارگری و جنبش های اعتراضی روز افزون توده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی به چشم می خورد.

مبارزه طبقه کارگر با تمامیت نظام اسارت بار سرمایه داری جمهوری اسلامی، آشتی ناپذیر و در حال گسترش است. در سالهای اخیر، کارگران در ایران برای به دست آوردن خواسته های عادلانه خود، دست به صدها مورد اعتصاب و اعتراض زده اند و علیرغم فریب، تهدید و سرکوبها، مبارزات شان گسترش یافته و از محدوده کارخانه و محیط کار، به سطح خیابان و شهر کشانده شده است. کارگران، بارها و بارها دست به گردهمائی، تظاهرات و راه پیمائی زده اند و برای دست یابی به خواست ها و مطالبات خود، ایستادگی و مقاومت های قهرمانانه از خود نشان داده اند. در جریان این مبارزات، همبستگی طبقاتی کارگران رشد کرده، و سیاستهای فریبکارانه و سرکوب گرانه رژیم نتوانسته است در عزم و اراده طبقاتی و تداوم مبارزات آنها خللی وارد کند. اکنون، ما با مواردی روبرو هستیم که کارگران، همزمان و مشترکاً در چند کارخانه دست به مبارزات هماهنگ می زنند. این مبارزات گرچه هنوز عمدتاً اقتصادی است، اما خصلت سیاسی از هم اکنون در بطن آنها آشکار است.

قیام مردم سبزوار

صفحه ۶

گزارشی نشست مشترک

صفحه ۵

بگذار بورژواها از وحشت آگاهی و تشکل یابی کارگران بر خود بلرزند!

دنبال سیاست باشند یا نباشند، این که آیا تشکل های کارگری یاد شده تا چه حد توانسته اند به وظائف خود عمل کنند یا نکنند، این که آیا این تشکل ها با انجام تغییراتی در

صفحه ۳

مدتی است که بحث میان جناح های حکومتی و تشکل های کارگری وابسته به رژیم، بر سر نحوه برخورد به مسائل و "جنبش کارگری" بالا گرفته است. این که مشکلات کارگری سیاسی هستند یا نیستند و کارگران باید

تلاش هایی که به ثمر می نشینند

و داشته است تلاش خود را برای تقویت صفوف نیروهای چپ انقلابی دو چندان کند و راهی برای ایجاد وحدت در صفوف پراکنده نیروهای کمونیست و چپ پیدا نماید. سازمان ما نیز به سهم خود از دو سال پیش تلاش متمرکزی را در این زمینه آغاز نمود.

صفحه ۸

اوضاع سیاسی متلاطم در ایران و چشم انداز فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی، هر جریان کمونیست، چپ و انقلابی را که در قبال طبقه کارگر، جنبش انقلابی و پیروزی انقلاب به نفع کارگران و زحمتکشان و تحقق مطالبات عموم توده های مردم احساس مسئولیت می کند،

در این شماره

کشمکش های درونی تشکل دانشجویی وابسته به دولت

صفحه ۴

مردم، در برابر توحش ایستاده اند!

صفحه ۶

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

صفحه ۲

اخباری از ایران

صفحه ۲

صفحه ۲

رسالت کابینه جدید خاتمی

پس کابینه خاتمی در دوره جدید وظیفه‌ای جز این نخواهد داشت که برنامه اقتصادی انحصارات جهانی و بورژوازی ایران را پی-گیرانه به مرحله اجرا در آورد. باقیمانده کارخانه‌ها و موسسات دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. قواعد و مقرراتی را که بر سر راه عملکرد آزادانه سرمایه‌دست و پاکیر محسوب می‌شوند ملغاً سازد. قوانین و مقررات جدیدی به نفع سرمایه داران وضع کند، امکانات و تسهیلات مادی بیشتری در اختیار سرمایه داران قرار دهد و دست آنها را کاملا در استثمار کارگران باز بگذارد. نتیجه این سیاست اقتصادی برای توده‌های کارگر ایران، تشدید استثمار، بیکاری جدید صدها هزار کارگر، کاهش دستمزدهای واقعی و تنزل سطح معیشت کارگران خواهد بود. یکی از محورهای برنامه اقتصادی خاتمی، در دوره جدید، ایجاد تغییراتی در قانون کار به نفع سرمایه‌داران است. سرمایه داران داخلی و بین‌المللی در تلاش اند حتی آن موارد محدودی را که رژیم در شرایط پس از قیام ناگزیر شد در نتیجه مبارزات کارگران در قانون کار بگنجانند، آنها را نیز حذف کنند تا دست سرمایه داران کاملا باز باشد که کارگر را همانند برده‌ای که از هرگونه حقوقی محروم است به کار وادارند. تغییر وزیرکار در کابینه خاتمی نیز در همین راستاست. موجودیت وی در کابینه‌های گذشته با کارگران حزب‌اللهی، شورا-های اسلامی و انجمن‌های اسمی مرتبط بود. ارگانهای تمحیق و سرکوب رژیم در کارخانه‌ها می‌بایستی برای پیشبرد وظائف خود از قانون کار نیز دفاع کنند و کمالی هم می-بایستی به عنوان وزیرکار مدافع قانون کار موجود عمل کنند. اما اکنون دیگر رژیم نیازی به هیچ یک از آنها ندارد. ارگان‌های تمحیق و سرکوب اسلامی در کارخانه‌ها از مدت‌ها پیش در میان توده‌های وسیع کارگر رسوا و بی اعتبارند. حتی گروهی از کارگران حزب‌اللهی که زمانی از فعالین شوراهای اسلامی بودند صفوف آنها را ترک کرده اند و برخی از آنها که در جریان موج اخیر تعطیل کارخانه‌ها اخراج شده و به خیل بیکاران پیوسته‌اند، رو در روی تشکل‌های دولتی امثال خانه کارگر قرار گرفته‌اند. بنابراین دیگر نیازی به وزیر کار پیشین نبود و اکنون کسی می‌بایستی این وظیفه را برعهده گیرد که با سیاست‌های اقتصادی دولت هم آهنگ عمل کند و از تغییر قانون کار دفاع کند. این تغییر همانگونه که اشاره شد چیز دیگری نیست جز حذف ته مانده حق و حقوق کارگران و بازگذاشتن دست سرمایه داران در تشدید استثمار، اخراج کارگران و غیره. برنامه به اصطلاح اصلاحات اقتصادی خاتمی هرچند که بیشترین فشار را برگرده کارگران تحمیل خواهد کرد، اما توده‌های وسیع زحمت کش مردم را نیز بی نصیب نخواهد گذاشت. بهای کالاها مجددا افزایش خواهد یافت. قدرت خرید توده‌های وسیع مردم کاهش می‌یابد. فقر و بیکاری ابعاد وسیع تری به خود خواهد گرفت و امکانات آموزشی و بهداشتی از آنچه که امروز هست خرابتر خواهد شد. پس در یک کلام، کابینه جدید خاتمی رسالتی جز این نخواهد داشت که شرایط مادی و معیشتی کارگران و زحمت

خلاصه‌ای از اطلاعاتی‌ها و بیانیه‌های سازمان

به مناسبت سالروز کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷، سازمان در اوائل شهریور ماه بیانیه‌ای منتشر کرد.

بیانیه چنین آغاز می‌شود: «۱۳ سال پیش در تابستان ۱۳۶۷ یکی از وحشیانه ترین جنایات ضد بشری در ایران رخ داد و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با بیرحمی تمام هزاران زندانی سیاسی را قتل عام کرد. جنایتی چنان فجیع و وحشیانه که تنها می‌توان آن را با جنایات فاشیسم هیتلری مقایسه کرد.»

این بیانیه سپس با برشمردن فجایع و جنایاتی که رژیم در طول ۲۳ سال گذشته به بار آورده است، اشاره می‌کند که برقراری ترور و خفقان، محروم کردن توده‌های مردم ایران از حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی، محروم کردن زنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی، سرکوب وحشیانه جنبش‌های اعتراضی کارگران و زحمتکشان، زنان و دانشجویان، ملیت‌های تحت ستم، جنگ و ویرانی، بیکاری، فقر، گرسنگی، اعتیاد، اعدام، شکنجه و کشتار، تنها نمونه‌هایی از فجایع و جنایات حکومت اسلامی هستند.

بیانیه سپس با اشاره به اهداف و مقاصد رژیم از کشتار زندانیان سیاسی نتیجه می‌گیرد که رژیم برغم تمام این اقدامات وحشیانه نتوانست اعتراضات توده‌های مردم و مبارزات آنها را مهار کند.

این بیانیه با استناد به رشد و اعتلاء جنبش توده‌ای برای سرنگونی رژیم، به تاکتیک‌هایی که برای برافکندن رژیم ضروریست نظیر تظاهرات، اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه اشاره می‌کند. در بخش پایانی نیز اعلام شده است که سازمان فدائیان (اقلیت) یاد تمام انسانهایی را که به خاطر آزادی و سوسیالیسم مبارزه کردند و جان باختند گرامی می‌دارد.

«نیروهای مسلح حکومت اسلامی، مردم سبزوار را به گلوله بستند» عنوان اطلاعاتی است که در تاریخ هشتم شهریورماه انتشار یافت.

این اطلاعاتی خبر از قیام مردم سبزوار علیه رژیم می‌داد. در این اطلاعاتی آمده است که مردم سبزوار روز پنجشنبه ۸ شهریور ماه دست به یک راهپیمائی زدند تا اعتراض خود را نسبت به سیاستهای رژیم ابراز دارند. نیروهای سرکوب رژیم مردم را مورد حمله قرار دادند و به گلوله بستند که در نتیجه آن تعدادی کشته و زخمی شدند. مردم سبزوار که از این وحشی‌گری نیروهای ضد شورش به شدت خشمگین شده بودند به بانکها و مراکز دولتی حمله کردند و آنها را درهم کوبیدند و برخی را به آتش کشیدند.

در این اطلاعاتی، اقدام سرکوبگرانه رژیم علیه مردم سبزوار به شدت محکوم شده است.

کشان ایران را وخیم تر کند. اما توده‌های وسیع مردم نیز آرام نخواهند نشست و کار-گران و زحمتکشان ایران مبارزه خود را علیه رژیم تشدید خواهند کرد. در همین دوره است که شدیدترین نبردهای طبقاتی در ایران رخ خواهد داد و حکومت اسلامی با بحرانهایی بزرگتر از بحرانهای موجود روبرو خواهد شد.

کمک مالی رسیده

ژاپن ۱۰۰ دلار آمریکا

اخباری از ایران

* اعتصاب رانندگان اتوبوس ارومیه

صدها تن از کارگران خدمات حمل و نقل شهری ارومیه در اوائل شهریور ماه به مدت دو روز دست به اعتصاب زدند. مطالبه کار-گران، پرداخت حقوق و مزایای معوقه بود. پس از آنکه با خواست کارگران موافقت شد آنها به سرکار بازگشتند.

* تجمع اعتراضی

کارگران کفش سه ستاره

صبح روزشنبه ۱۶ تیر، ۱۳۰ نفر از کارگران کفش سه ستاره در برابر وزارت کار و امور اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار ادامه کاری کارخانه و پرداخت ۸ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند.

* تحسن کارگران بافناز

روز دو شنبه پانزدهم مرداد، کارگران بافناز اصفهان، باردیگر با تجمع و تحسن در برابر کارخانه دست به اعتراض زدند و خیابان اصلی شهر را مسدود ساختند. شایان ذکر است که تحت فشارهای مداوم کارفرما و مدیریت شرکت، بیش از صد کارگر به احبار خود را بازخرید کرده اند و به سایر کارگران شرکت نیز هم اکنون بیشتر از ۸ ماه است که هیچ گونه دستمزدی پرداخت نشده است.

* تجمع اعتراضی کارگران سیوان

بیش از ۴۰ نفر از کارگران شرکت سیوان راه ساز ارومیه، با تجمع در برابر اداره کل کار آذربایجان غربی، ضمن اعتراض نسبت به اوضاع نابسامان شرکت، خواستار پرداخت عیدی سال ۷۹ و حقوق اردیبهشت، خرداد و تیرماه سال جاری شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران فوکا

جمع زیادی از کارگران فوکا صنعت درهمدان، با تجمع در برابر روزنامه کار و کارگر نسبت به اوضاع نابسامان شرکت دست به اعتراض زدند و خواهان حل مشکلات خود شدند. بیش از سه ماه است که حقوق و مزایای ۱۷۰ کارگر این شرکت پرداخت نشده است.

* تجمع اعتراضی کارگران پشمبافی

کارگران شرکت پشم بافی کشمیر کرمانشاه، در اعتراض به اخراج‌ها و عدم پرداخت حقوق و مزایای خویش، دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر اداره کل کار و امور اجتماعی کرمانشاه، خواستار پرداخت حقوق‌ها و ادامه کاری کارخانه شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران شادان پور

صبح روز دوشنبه بیست و سوم تیرماه، صدها تن از کارگران شرکت کفش شادان پور، در مقابل وزارت صنایع دست به تجمع اعتراضی

بگذار بورژواها از وحشت‌آگاهی و تشکل‌یابی کارگران برخوردار شوند!

احضاری از ایران

زند. ۴۵۶ کارگر این کارخانه بیش از ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. کارگران در این اجتماع اعتراضی که تا حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه داشت، خواستار پرداخت حقوق‌های معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران جامکو

کارگران شرکت تولید پوشاک جامکو، در ادامه سلسله اقدامات اعتراضی خود صبح روز سه شنبه ۱۹ تیر، بار دیگر در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق‌های معوقه خود شدند. این کارگران، قبل از این نیز در تاریخ پنجم تیر ماه در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زده بودند و خواستار رسیدگی به مشکلات و پرداخت حقوق‌های معوقه خود شده بودند.

* تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی

۴۷ تن از کارگران قراردادی پتروشیمی ارومیه در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در هفته اول مردادماه، دست به تجمع اعتراضی زدند.

* تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

کارگران اخراجی شهرداری جهرم با اجتماع در برابر شهرداری این شهر دست به اعتراض زدند. این کارگران که شمار آنها ۲۶ نفر است و چهار ماه است در حالت بلاتکلیفی بسر می برند، به همراه اعضاء خانواده خود، در این تجمع اعتراضی خواستار بازگشت به کار شدند.

* اعتراض کارگران پارس پویا

کارگران پارس پویا مراغه با ۱۰ سال سابقه کار از کار بیکار شدند. این کارگران جهت حل مشکل خود کرارا به اداره کل کار مراغه مراجعه کرده اما کسی پاسخگویی آنان نبوده است، اخیرا با ارسال یک یادداشت اعتراضی به مطبوعات خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

* تحصن اعتراضی کارگران جنرال

مسئولین شرکت جنرال به بهانه طرح اصلاح ساختار شرکت، ۱۵۰ کارگر این شرکت را که هر یک بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند در حالت بلاتکلیفی نگاه داشته و آنها را جهت دریافت مبلغ ناچیزی تحت عنوان پیمه بیکاری معرفی کرده و از اشتغال بکار آنها جلوگیری می کنند. یکی از کارگران معترض در این زمینه می گوید: در حالی ۱۵۰ کارگر شرکت از کار بیکار می شوند که ۲۰۰ کارگر قرار دادی در این شرکت مشغول بکار شده اند. در اعتراض به این اقدام مسئولین شرکت، کارگران در محل شرکت دست به تحصن زدند و گفتند تا رسیدن به نتیجه مطلوب، به تحصن و اعتراض خود ادامه خواهند داد.

* اعتراض کارگران اخراجی

چهارده نفر از کارگران شرکت پاپیکو در کرمانشاه، به صورت دسته جمعی اخراج شدند.

اینهمه تضادها آنقدر قطعی و حاد شده اند و پتانسیل مبارزاتی کارگران آنقدر بالاست که این شبه تشکلات کارگری مطلقا کارآیی خویش را از دست داده و در شرایط متحول کنونی بلا اثر و یا تقریبا بلا اثر شده اند. سران خانه کارگر و کانون عالی شورایی اسلامی کار، خود نیز از مدت‌ها قبل به این مسئله پی برده و اعتراف نموده اند و هم‌اکنون بیشتر از دو سال است که در صدد آنند تا با انجام پاره‌ای تغییرات در ساختار تشکلیاتی و دادن وعده موقعیت خویش را حفظ کنند.

شایان ذکر است که از اوایل مرداد ماه سال جاری و بعد از آنکه مجمع عمومی "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران" در تاریخ ۸۰/۴/۷ تشکیل گردید، بر عمق و دامنه اینگونه تلاشها اضافه شده است. تشکل اخیر خود را یک تشکل مطلقا صنفی اعلام نموده است که کاری به مسائل سیاسی ندارد و خانه کارگر رانیز از همین زاویه مورد انتقاد قرار داده است. سران خانه کارگر اخیرا با تاکید بر مسائل صنفی و اقتصادی، می خواهند هر طور شده خانه کارگر را با شرایط وفق دهند و در ضمن توجه دست اندرکاران حکومتی و حامیان خویش را نیز به انجام پاره‌ای تغییرات و تعدیلات قانع کنند. در همین رابطه صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در اردوی اجرایی خانه کارگر، بازسازی تشکلیاتی خانه کارگر را ضروری دانست. او گفت "خانه کارگر نه تنها نتوانسته آنگونه که انتظار می رفت مشکلات و آلام جامعه کارگری را تسکین دهد، بلکه حتی نمی توان خانه کارگر را در شکل گیری و استمرار این مشکلات فاقد نقش دانست" او سپس از ضرورت تغییر استراتژی خانه کارگر صحبت کرد و گفت "استراتژی که ما تا به امروز دنبال کرده ایم در شرایط کنونی فاقد کارآیی دلخواه است" سخنران دیگری در همین جلسه گفت "از این پس خانه کارگر بیشتر به مسائل صنفی توجه خواهد کرد."

محبوب دبیر کل خانه کارگر نیز هنگامیکه در دانشگاه صنعتی امیر کبیر سخنرانی می کرد، عاجزانه از "مجلس اصلاحات" و دیگران خواست، راه را بر جنبش اتحادیه‌ای هموار کند و از فقها درخواست نمود، مبنای حقوقی اسلام در زمینه اعتصاب و تکلیف این "حکم" خمینی را که گفته است "اعتصاب حرام است" روشن کنند. او با اشاراتی به "جنبش کارگری" و اعتراضات مشترک کارگران جامکو و شادان پور در برابر مجلس، ضمن نفی اقدام کارگران در از جا کردن نرده های مجلس و ورود به آن، به مقامات هشدار داد که در زمینه قانونی کردن اعتصاب زودتر اقدام کنند تا دست خانه کارگر در زمینه مقید کردن اعتراضات کارگری باز باشد. او اضافه کرد که "اگر دیر در این باره اقدام بشود ممکن است این جنبش به مسائلی منتهی شود که هرگز هیچکس از آن خوشحال نمی شود!"

بهررو این مسئله کاملا روشن است که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به شدت در میان کارگران افشاء و رسوا شده اند و دیگر قادر نیستند به شکل گذشته جلو مبارزات

ساختار و وظائف خود ادامه حیات دهند یا تشکل‌ها دیگری برپا شود، این که کارگران باید حق اعتصاب داشته باشند یا نداشته باشند و صرفا دنبال مطالبات صنفی باشند یا نباشند و غیره و غیره حتی میان کسانی که در خصومت ذاتی شان با طبقه کارگر ذره‌ای تردید وجود ندارد، امروز هستند کسانی که سنگ کارگر و جنبش کارگری را به سینه می زنند! به راستی مگر چه اتفاقی افتاده است که کارگر و جنبش کارگری اینگونه به مرکز بحث در روزنامه‌های رژیم تبدیل شده است؟

حقیقت قضیه آن است که فشارهای سیاسی و اقتصادی بر کارگران ایران، از حد تحمل فراتر رفته است. اخراج و بیکار سازی بدون وقفه ادامه دارد و هرروزه بر صف میلیونی ارتش ذخیره کار اضافه می شود. آن دسته از کارگران که هنوز بیکار نشده اند، نگران آینده شغلی خود هستند. هیچگونه ضمانت شغلی وجود ندارد. سرمایه داران با مجبور کردن کارگران به باز خرید، و تحمیل قراردادهای موقت، در بدترین شرایط ممکن کارگران را به کار و می دارند. کارگران را با خشونت و بیرحمی استثمار می کنند و آنان را از حقوق و مزایای اولیه خویش نیز محروم ساخته اند. میلیونها کارگر، در معرض اخراج و بلاتکلیفی اند و چندین ماه است که هیچ گونه دستمزدی نگرفته اند. انبوهی از کارگران ایران به معنای واقعی کلمه به فقر و گرسنگی سوق داده شده اند. وضعیت بجائی رسیده است که کارگران حتی برای تامین نان شب و ادامه حیات خود، راهی جز مبارزه و در افتادن با سرمایه داران و حامیان آنها نداشته اند و ندارند. کارد به استخوان کارگران رسیده است. کارگران در این رویارویی، حقیقتا هیچ چیز ندارند که از دست بدهند. برغم تحمیل یک شرایط سخت و دشوار و تعرض همه جانبه به سطح زندگی و معیشت کارگری از سوی سرمایه داران، روحیه اعتراضی کارگران به ویژه در یک سال اخیر به مراتب افزایش و اتحاد و همبستگی طبقاتی آنان تعمیق یافته است. نه اقدامات سرکوب گرانه و نه تلاشهای عوامفریبانه و تخریب آمیز تشکل های کارگری وابسته به رژیم، هیچکدام نتوانسته اند صدای کارگران را خاموش سازند. اعتراضات مکرر و متعدد کارگران در سراسر ایران، اعتصابات و اعتراضات کارگران در اصفهان، اعتراضات مستمر کارگران چیت‌ری، اعتراضات مشترک کارگران جامکو و شادان پور، جناح های حکومتی و کل بورژوازی ایران را شدیداً به وحشت انداخته است.

جناح بندیهای حکومتی البته از موج سواری و از اینکه از شرایط موجود به نفع خود سود جویی کنند، غافل نیستند، اما بورژوازی در کلیت خود دنبال راهی می گردد تا قبل از آنکه دیگر خیلی دیر شده باشد این مبارزه اعتراضی گسترش یابنده را مهار و کنترل کند. تا آنجا که به خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار برمی گردد، این تشکل‌ها تقریبا از همان نخستین روزهای حیات خویش در همین چار چوب به انجام وظیفه مشغول بوده اند. با

اخباری از ایران

این کارگران که بعضا تا هفت ماه حقوق نگرفته‌اند، طی یک نامه اعتراضی، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه و رسیدگی به وضعیت خود شدند.

* نامه اعتراضی کارگران آرد شیراز

بیش از ۲۴۰ کارگر آرد شیراز در یک نامه اعتراضی خواستار پرداخت حقوق های عقب افتاده و راه اندازی شرکت شدند. این کارگران چندین ماه است که در حالت بلاتکلیفی بسر می برند.

* کارگران سرت چای همچنان بلاتکلیف اند

پس از صدور رای بازگشت بکار از سوی اداره کار شهری، ۹۱ کارگر بیکار شده کارخانه سرت چای حدود دو هفته است هر روزه در محل کار خود حاضر می شوند، اما همچنان وضعیت آنها نامشخص است و کارفرما از بکار گرفتن کارگران امتناع می ورزد. این کارگران خواستار ادامه کاری کارخانه و بازگشت به کارند.

* ۲۵۰ کارگر در آستانه اخراج

شرکت اصفهان طیور با بیش از ۲۵۰ کارگر در آستانه تعطیلی است. بیش از سه ماه است که حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است. کارگران در یک نامه اعتراضی که برای کار و کارگر فرستادند، خواستار ضمانت شغلی و پرداخت حقوق های عقب افتاده خود شدند.

* اخراج کارگران مینو

طی چند ماه گذشته، بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران قراردادی شرکت صنعتی مینوی خرم دره از کار بیکار شده و ۳۰ کارگر باقی مانده نیز در معرض اخراج قرار دارند. یکی از کارگران می گوید " ۵ سال با قراردادهای ۸۹ روزه که بعد از پایان تمدید شده است در این شرکت کار کرده‌ام و حال دستور اخراج را دریافت کرده‌ام" این کارگر در ادامه سخنان خود ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به آینده خانواده خود می گوید " آیا اخراج کارگران بی پناه که تنها سرمایه آنها کارشان است حمایت از مستضعفین است؟ چرا کسی ما را درک نمی کند؟"

* اخراج کارگران جامینه

هشت نفر از کارگران رسمی شرکت جامینه تولید کننده کت و شلوار مردانه، اخراج شدند. این اقدام وقتی صورت گرفت که کارگران از امضاء تعهد نامه ای که کارفرما می خواست به کارگران تحمیل کند، امتناع کردند. این کارگران که از ۸ تا ۱۷ سال سابقه کار دارند، نسبت به این زورگویی آشکار کارفرما اعتراض دارند و خواهان بازگشت بکارند. کارگری در این مورد می گوید " این تعهد نامه دستاویزی برای اخراج کارگران رسمی و استخدام همان کارگران به صورت قراردادی است"

* تاووم اخراج ها

- شرکت آنتن سازی جهان بین ساز (جی بی سی) تعطیل و ۲۴ کارگر این شرکت با ۸ تا ۱۵ سال سابقه کار از کار بیکار شدند.

کشمکش های درونی تشکل دانشجویی وابسته به دولت

های پوچ، دفتر تحکیم وحدتی ها را نجات نداد، بالعکس تضادهای درونی آنها را تشدید کرد و بحران را تا پائین ترین سطوح این تشکیلات دولتی کشاند. این واقعیت هنگامی آشکار شد که در جریان سرکوب خونین جنبش دانشجویی، سران دفتر، ماهیت ارتجاعی خود را بار دیگر برملا کردند و رو در روی دانشجویان قرار گرفتند. اما ضربه قطعی هنگامی وارد آمد که فاتحه اصلاحات نیز خوانده شد و ماهیت خاتمی و دارودسته وابسته به او نیز بر همگان آشکار گردید. کسانی که هنوز عضو انجمن های اسلامی بودند، گروه گروه آنها را ترک کردند. دیگر شکاف به مرحله ای رسیده بود که حتی نتوانستند برسریک شورای مرکزی جدید توافق کنند. سران دفتر تحکیم وحدت برای نجات این تشکل دولتی به تکیاوی افتادند تا بحران درونی خود را ریشه یابی کنند. گروهی گفتند که علت این بحران و خالی شدن انجمن های اسلامی، حمایت از یک جناح حکومت بوده است، عده ای دیگر نداشتن استراتژی را عنوان کردند و برخی نیز عدم انطباق آنرا با اوضاع سیاسی موجود مطرح کردند. اما اینها هیچیک چاره ساز نشد، بحران مدام عمیق تر شد تا بدانجا که اکنون در آستانه ازمه پاشیدگی قرار گرفته است.

تلاش رژیم و وابستگان به آن در دفتر تحکیم وحدت برای نجات این ابزار سرکوب، تحمیل و جاسوسی باشکست روبرو شده است. اکثریت بسیار عظیمی از دانشجویان، رودر روی این تشکل دولتی، قرار گرفته اند. دانشجویان خواهان ایجاد تشکلهای مستقل از دولت هستند تا آزادانه بتوانند مطالبات دموکراتیک - آزادخواهانه، صنفی و رفاهی خود را پیگیری کنند. در این میان موقعیت بیش از پیش برای فعالیت دانشجویان چپ و مترقی فراهم می شود. اکنون این وظیفه مهم نیز بردوش دانشجویان چپ و مترقی قرار گرفته است که شعار برچین تشکلهای اسلامی را که سبب ارتجاع و سرکوب اند، هرچه وسیعتر به میان توده های وسیع دانشجویی بیاورند و از ایجاد و گسترش تشکل های مستقل دفاع کنند.

* چند خبر کوتاه

- کارگران سد کوثر، سه ماه است حقوق نگرفته‌اند.
- ۱۸۰۰ کارگر چیت سازی بهشهر، ۹ ماه است حقوق نگرفته‌اند.
- ۱۲۰ کارگر پتوبافی شمس اراک پنج ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.
- شمار کارگران کارخانه گچ لرستان از ۱۴۰ نفر به ۵۷ نفر کاهش یافته است و همین تعداد نیز بیشتر از ۵ ماه است که حقوق نگرفته‌اند.
- کارگران شرکت پای ساز بارسال یک نامه اعتراضی، خواستار پرداخت حقوق، اجرای طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها شدند.
- چهار کارگر صنایع فولاد خوزستان که به منظور تعمیر یک پمپ وارد فاضل آب شده بودند، بر اثر مسمومیت ناشی از وجود گاز های سمی، جان خود را از دست دادند.
- مدیر کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش گفت " در حال حاضر ۵۰ درصد از معلمان کشور زیر خط فقر زندگی می کنند"

تشکل دولتی موسوم به دفتر تحکیم وحدت که همواره ابزار تحمیل و سرکوب رژیم در دانشگاه های کشور بوده است، با بحران فروپاشی روبرو شده است. تضادها و اختلافات درونی این ابزار ارتجاع اکنون به نقطه ای رسیده است که ارگانهای مختلف آن رودر روی یکدیگر قرار گرفته و هریک با صدور اطلاعیه و مصاحبه، دیگری را معزول و غیرقانونی اعلام می کند. شورای تحقیق تحکیم وحدتی ها با صدور بیانیه ای شورای مرکزی را غیر قانونی و معزول اعلام نمود. شورای مرکزی نیز به سهم خود شورای تحقیق را غیر قانونی اعلام نمود و تهدید کرد مخالفین خود را تنبیه خواهد کرد. اینان به صراحت اعلام نمودند که پای فروپاشی دفتر تحکیم وحدت در میان است. اختلافات به موضع گیری رده های پائین نیز کشیده شد و پس از موضع گیری شورای عمومی علیه شورای مرکزی، انجمن های اسلامی به حمایت از این یا آن برخاستند. مستثنی از این که رژیم بخواهد ظاهرا موجودیت این تشکل دولتی را حفظ کند، در واقعیت امر فروپاشی آن از مدت ها پیش آغاز شد و اکنون می رود که مراحل نهایی خود را طی کند. چرا که بحران دفتر تحکیم نیز برخاسته از بحران عمومی رژیم به طور کلی و بحران و شکست گروه های موسوم به اصلاح طلبان حکومتی است. مسئله در این است که این ابزار ارتجاع حاکم که موجودیتش را با ضد انقلاب فرهنگی، کشتاردها دانشجو و به بند کشیدن و اخراج هزاران دانشجو و صدها استاد مترقی اعلام نمود، تنها در دوره ای می توانست وظیفه خود را به عنوان یک ارگان جاسوسی و سرکوب دانشجویان مترقی و آزادی خواه ایفا کند و مانع از شکل گیری تشکل های مستقل دانشجویی گردد که دوران رکود جنبش توده ای بود، لذا مبارزه دانشجویان نیز نمی توانست نمود محسوسی داشته باشد. اما اوضاع تغییر کرد، مبارزات مردم از جمله دانشجویان وسعت گرفت و اعتراض مردم شکلی علنی یافت. دفتر تحکیم وحدتی ها برای نجات خود و رژیم، به تبعیت از یک جناح حکومت ادعا کردند که اصلاح طلب و "آزادخواه" شده‌اند. این ادعا

- شرکت ریسندهی و بافندگی مهر کویا در اصفهان از اول تیرماه تعطیل ۱۷۰ کارگر این واحد کار خود را از دست داده و بلاتکلیف شدند.

- ریسندهی پروین در اصفهان تعطیل شده و ۶۲۰ کارگر این واحد در حالت بلاتکلیفی بسر می برند. این کارگران ضمن اعتراض شدید، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه و بازگشایی کارخانه‌اند.

- ۱۸ از کارگران نیروگاه سد ارس درماکو که بین ۲۷ تا ۲۸ سال سابقه کار داشتند از کار اخراج شدند. با وجود صدور رای بازگشت بکار از سوی هیئت تشخیص حل اختلاف اداره کار، اما مدیرعامل نیروگاه از ورود کارگران به محل کار ممانعت می کند.

- کارخانه الکتریک ایران رشت، پس از ۴۱ سال فعالیت در دروم خرداد سال جاری تعطیل شد و ۹۰۰ کارگر این شرکت بلاتکلیف شدند.

- یک نماینده مجلس گفت " حدود سه هزار کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگ تولیدی و کارگری دچار مشکلاتی در زمینه عدم پرداخت حقوق کارگر و یا تعدیل پرسنل خود روبرو هستند"

بیانیه نشست مشترک

جنبش اعتراضی علنی و مستقیم توده‌ای علیه رژیم در ابعادی به وسعت سراسر ایران در حال گسترش است. تهیدستان حاشیه نشین شهرهای بزرگ، دست به شورشهای گسترده علیه نظم موجود می‌زنند.

علیرغم سیاست‌های زن‌ستیز رژیم، مبارزات مستقل زنان برای احقاق حقوق برابر خود، اعتلاء یافته است و آنها در تمامی عرصه‌ها و در اشکال بس متنوع و در تمامی جنبش‌های اعتراضی؛ از مبارزات کارگران تا جنبش تهیدستان و دانشجویان و جوانان نقشی فعال برعهده دارند.

اقلیت‌های مذهبی فاقد هرگونه آزادی اندیشه و بیان هستند و به خاطر عقاید خود به شدت مجازات می‌شوند. کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغانی با شدت بیشتری استعمار می‌شوند و به مراتب از حقوق کمتری برخوردارند و مورد تحقیر و ستم و آزار قرار می‌گیرند.

به کار کشیدن و استثمار وحشیانه کودکان و فاجعه کودکان خیابانی، بی حقوقی مطلق کودکان در ایران را نمایش می‌دهد و بیکاری، نومیذی از آینده و رواج دادن اعتیاد، ارمغان جمهوری اسلامی برای نسل جوان در سراسر ایران است. اما دانشجویان و نسل جوان ایران، علیرغم سرکوب مداوم، در شکل‌های گوناگون به مبارزات خود ادامه می‌دهند.

این وضعیت فاجعه‌بار و تداوم و گسترش روزافزون مبارزات توده‌ای، نشانه این واقعیت است که خواسته‌های توده‌های وسیع مردم، از چارچوب نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی موجود فراتر می‌رود. این خواستها، در فعلیت کنونی و آینده خود پردو دسته اند:

خواست‌های دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی و مطالبات عمومی کارگران، زحمتکشان، ملیت‌های زیر ستم، زنان، دانشجویان و جوانان، و اقلیت‌های قومی و مذهبی و خواسته‌های سوسیالیستی طبقه کارگر در سوی براندازی کلیت نظام سرمایه داری.

جمهوری اسلامی تا به حال نشان داده است که حتی از برآوردن ابتدائی-ترین مطالبات عمومی نیز ناتوان است. از همین رو، روند تحول کنونی، گسترش روزافزون مبارزات را نشان می‌دهد.

این بحران، تضادهای درونی هیئت حاکمه را نیز شدت داده و شکاف عمیقی در درون دستگاه دولتی پدید آورده است. در عین حال، سیاستهای هردو جناح در مقابله با بحران با شکست روبرو شده و نتوانسته است پاسخی برای وضعیت موجود بیابد. واقعیت‌های آشکار، نشان می‌دهد که بحران در حال عمیق تر شدن است.

با اینهمه، شکست هردو جناح اصلی هیئت حاکمه، هنوز به مثابه شکست کامل بورژوازی نیست. در همین شرایط، گرایش‌های گوناگون سرمایه داری، چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، می‌کوشند که تحت عنوان جنبش اصلاحات، و با شعار "جامعه مدنی" و "حاکمیت قانون" و غیره، و با پشتیبانی سرمایه جهانی و دولتهای امپریالیستی، خود را از شر زوائد دست و پاگیر حکومت اسلامی رها سازند و با آرایش رژیم، خطر را از سر بورژوازی ایران دورکنند. آنها تلاش می‌کنند که جنبش عمومی توده‌های زحمتکش و جنبش طبقاتی کارگران را منحرف سازند و مانع دگرگونی‌های انقلابی و سوسیالیستی در ایران شوند.

از این رو، وظیفه‌های سنگین‌تر بردوش تمامی نیروها و فعالین کمونیستی که، به آرمانهای سوسیالیستی طبقه کارگر وفادارند و خواهان تحقق خواسته‌های توده‌ها هستند قرار دارد. کمونیست‌ها، وظیفه دارند که توطئه‌های ارتجاعی بورژوازی را برای منحرف ساختن و سرکوب جنبش طبقاتی افساء نمایند و با تقویت جنبش سوسیالیستی، تلاش برای وقوع انقلاب و تحقق خواسته‌های عمومی را دنبال کنند.

مانع عمده در راه انجام وظائف کمونیست‌ها پراکندگی و تشتت نظری سیاسی است. غلبه بر این پراکندگی و تشتت، کوشش مشترک همه کمونیست‌ها را می‌طلبد.

در این راستا، ما، برخی از سازمانها و فعالین کمونیست که با رفرمیسم مرزبندی قاطعی داریم، در ادامه تلاش تا کنونی خود، برای غلبه بر این پراکندگی و تشتت نظری سیاسی و تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی و تشکل طبقاتی کارگران، تقویت موقعیت طبقه کارگر در جنبش عمومی، و تلاش برای تأمین هژمونی طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی، طی نشستی که در تاریخ ۲۴ تا ۲۶/۸/۲۰۰۱ برگزار گردید، کوشیدیم بر مبنای حداقلی از توافق براساس:

سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری، و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان در ایران، تدارک یک همکاری را آغاز کنیم.

مابراین باوریم که این تلاشها می‌تواند جمع گسترده‌تری را دربرگیرد. از این رو، دست همه آنان را که با این حرکت هماهنگ اند می‌فشاریم.

شرکت کنندگان در نشست مشترک

۲۰۰۱/۸/۲۶

گزارش نشست مشترک

به دنبال کوششهایی که بیش از یک سال از آغاز آن می‌گذرد و پس از انتشار دو بولتن مباحثات و فراخوان ۹ سازمان، مجمع و محفل سیاسی که "همه جریانات" محافل و فعالین کمونیست و چپ معتقد به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان را دعوت به برگزاری یک نشست مشترک به منظور همکاری می‌کرد، سرانجام یک نشست از ۲۴ تا ۲۶ ماه اوت ۲۰۰۱ برگزار شد. در این نشست، هیئت‌های نمایندگی، یا نمایندگانی از سازمانها و مجامع زیر حضور داشتند.

*- اتحاد سوسیالیستی کارگری (ناظر)

*- حزب رنجبران ایران

*- حزب کمونیست ایران و کومه‌له

*- راه آینده

*- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

*- سازمان انقلابی زحمتکشان گردستان ایران (کومه‌له)

*- سازمان فدائیان (اقلیت)

*- سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

*- شورای زندانیان سیاسی چپ (ناظر)

*- شورای کار

*- کارگران کمونیست

*- کانون سیاسی پناهندگان

*- فعالین سیاسی در هلند، مدافع اتحاد صفوف کمونیست‌ها و چپ رادیکال

*- فعالین و جماعتی از کمونیست‌های کشورهای: آلمان، آمریکا، انگلستان،

ایتالیا، سوئد، فرانسه، نروژ و هلند

*- مدافعین وحدت چپ انقلابی دانمارک

*- هسته اقلیت

این نشست که با حضور بیش از صد تن و در فضائی سرشار از امیدواری برای یک همکاری و غلبه بر پراکندگی و تشتت کنونی برگزار شد، با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد.

نشست، هیئت هماهنگی پس از خوش آمدگویی به شرکت کنندگان، گزارشی از روند فعالیت‌هایی که به برگزاری نشست انجامید را ارائه داد. سپس یک هیئت شش نفره برای اداره جلسه انتخاب شد.

پس از بحث‌های مقدماتی، فرار شد که به تمام گرایش‌های موجود در نشست و هرکس که طرح معینی ارائه می‌کند نیم ساعت وقت داده شود تا نظرات اثباتی خود را بیان کند. در ادامه، نشست وارد بحث عمومی شد و نظرات ارائه شده را مورد نقد و بررسی قرار داد.

سرانجام پس از دو روز بحث و گفتگو، جمع بندی بحث‌ها حکایت از آن داشت که، هم در رابطه با سطح توافقات و هم به لحاظ تبیین روابط درونی و مناسبات مشترک جریانات حاضر، هنوز نقاط ابهام و تفاوت موجود است. از این رو، تداوم مباحثات از طریق انتشار یک بولتن مشترک ضرورت دارد. گرایش‌های مختلف در ضمن کوشیدند که بر سر تدارک آغاز این همکاری به نکات مشترک و توافقات پایه‌ای برسند و با تدوین یک بیانیه مشترک این امر را آغاز کنند. همچنین با انتخاب یک شورای هماهنگی ۱۵ نفره و پیشنهاد اقدامات ضروری، مثل انتشار بولتن، ایجاد رابطه همکاری بین فعالین این پروژه، پیگیری وظائف عملی - مبارزاتی و برگزاری یک نشست دیگر در آینده نزدیک، نخستین گام‌ها برداشته شد.

شرکت کنندگان در نشست بر این باورند که امر تدارک این همکاری می‌تواند جمع گسترده‌تری را دربرگیرد. از این رو، نیروها و فعالین دیگری که با این طرح هماهنگ اند مقدمشان در این راه گرامی ست.

به امید پیروزی طبقه کارگر
شورای هماهنگی موقت نشست مشترک

۲۶ اوت ۲۰۰۱

تحصن اعتراضی پناهجویان در شهر وان

دو هفته از تحصن اعتراضی پناهجویان در شهر وان می‌گذرد. پناهجویان ایرانی، افغانی و عراقی در شهر وان ترکیه در شرایط غیرقابل تحملی بسر می‌برند و تاکنون بارها دست به اعتراض زده اند. آنها روز ۱۴ اوت قصد تحصن داشتند که پلیس ترکیه با ضرب و شتم و بازداشت چند تن از پناه -جویان، مانع تحصن آنها شد. پناهجویان از دو هفته پیش برای رسیدگی به خواست هایشان که طی یک قطعنامه ۹ ماده‌ای اعلام شده است، دست به تحصن زده‌اند و اعلام کرده‌اند تا رسیدن به خواست هایشان توسط UN، از تحصن دست نمی‌کشند. پلیس ترکیه این بار گریه تحت فشار افکار عمومی نتوانسته جلوی حرکت اعتراضی پناهجویان را بگیرد، اما آنها را با این بهانه که در خیابان امنیت جانی ندارند، ناکزیر می‌کند که شبها محل را ترک کنند. با وجود این فشارها، پناهجویان اعلام کرده‌اند به اعتراض خود ادامه می‌دهند.

قیام مردم سبزوار

روز پنجشنبه ۸ شهریور، شهر سبزوار صحنه شورش و قیام مردم این شهر علیه حکومت اسلامی بود. زمانی که مردم شهر با خبر شدند در تقسیم بندی استان خراسان به سه استان، سبزوار مرکز هیچیک از استان های جدید نخواهد بود، دست به راهپیمائی زدند. مردم محروم و زحمتکش و به جان آمده از فقر و گرسنگی و بی حقوقی، در مسیر خود به مراکز دولتی، بانکها و مراکز سرکوب حمله کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم به روی تظاهرکنندگان که بخش قابل توجهی از آنان را نوجوانان و جوانان تشکیل می دادند، آتش گشودند. بر طبق گزارش ایرنا یک نوجوان ۱۲ ساله در دم کشته شد و بیش از ۷۰ تن مجروح شدند. خبر گزاریها تعداد کشته شدگان را حداقل ۷ تن اعلام کرده اند. تیراندازی سرکوبگران به روی جمعیت، خشم تظاهرکنندگان را افزون ساخت. مردم، جاده مشهد - تهران را بستند و به حوزه علمیه شهر حمله کردند. روز جمعه نیز شهر سبزوار صحنه تظاهرات و درگیری مردم با مزدوران رژیم بود. رژیم با گسیل نیروهای سرکوب از سایر شهرها به سبزوار و برقراری کنترل پلیسی - نظامی بر شهر، سرانجام بر اوضاع مسلط شد. دهها تن از مجروحان این شورش در بیمارستها بسر می برند و بیش از صد تن از دستگیرشدگان روانه زندان شده اند.

شورش، قیام، تظاهرات و اعتصاب اکنون دیگر به اجزای لایتجزای اوضاع سیاسی ایران تبدیل شده اند. این حرکت های اعتراضی انفجار خشم و نارضایتی توده های مردم از وضعیتی است که نظام حاکم به آنها تحمیل نموده است. اشکال اعتراضی و مبارزه مردم به یکی دو مورد محدود نمی شود. کارگران پی در پی به اعتصاب دست می زنند. هنوز یک اعتصاب و اعتراض کارگری فروکش نکرده، حرکت دیگری در کارخانه و یا شهر دیگری شکل می گیرد. کارگران دست به راهپیمائی و تظاهرات می زنند، و جاده های پر رفت و آمد را می بندند. در شهرهای مختلف ایران طغیان های توده ای زنجیره وار و به شکل شورش ها و قیام های محلی شکل می گیرند. هر مسئله ای می تواند بهانه و توجیهی برای اعتراض باشد. نارضایتی مردم به حد انفجار رسیده و خشم و اعتراض آنان نسبت به وضعیت موجود به هر بهانه ای سرریز می کند. قیام مردم سبزوار نیز حلقه دیگری از زنجیره بهم پیوسته طغیان های توده ای علیه حکومت اسلامی است. ظاهر قضیه این است که مردم سبزوار می خواستند این شهر به مرکز استان تبدیل شود. اما این خواست، اسم رمزی برای خواست اشتغال و تامین یک زندگی انسانی است. مردم تصور می کنند به این ترتیب بودجه های دولتی به شهرستان اختصاص داده می شود، کارخانه و موسسات تولیدی ساخته می شود، کار ایجاد می شود و آنها امکان می یابند شغلی داشته باشند و از بیکاری و گرسنگی رها شوند. مردم سبزوار همانند مردم سایر شهرهای ایران از وضعیت موجود به تنگ آمده اند، فقر، بیکاری، گرسنگی، مصائب اجتماعی، و اختناق و سرکوب، و نفرت از رژیمی که چنین فجایعی را به بار آورده است محرک آنان بوده است. اگر یک حرکت اعتراضی مسالمت آمیز مردم به

مردم، در برابر توحش ایستاده اند!

چند ماهی است که رژیم اسلامی سرگرم اجرای احکام و "حدود" الهی در ملاء عام است. قوه قضائیه و نیروهای انتظامی و امنیتی زیر نظر مستقیم ولایت فقیه، تحت عنوان مبارزه با "مفاسد اجتماعی" و "مظاهر فساد" شمی دیگری از توحش و بربریت نظام اسلامی را در معرض نمایش گذاشته اند. دهها نفر در سراسر ایران در ملاء عام به دار آویخته شده و یا زیر ضربات شلاق قرار گرفتند. در ایلام یک نفر را به جرم نوشیدن مشروب الکلی در ملاء عام شلاق زدند. در تهران ده جوان بین ۲۰ تا ۳۰ سال را در میدان ولی عصر شلاق زدند. دوشنبه اول مرداد، ۱۶ نفر را به جرم تهیه و توزیع مشروبات الکلی در میدان دریند شلاق زدند. تنها در فاصله سه روز ۲۲ تا ۲۵ مرداد، ۱۰ نفر در ملاء عام اعدام شدند که سه نفر از آنها در سمنان به اتهام سرقت مسلحانه در برابر چشم مردم به دار آویخته شدند. در کرمانشاه فردی را به جرم قتل در ملاء عام به دار آویختند. چهارشنبه هفتم شهریور ماه، در تهران فردی را تحت عنوان یک " جوان شرور " به اتهام قتل، در ملاء عام اعدام کردند و باز فرد دیگری در زمین فوتبال روبروی فرهنگ سرای خواران در ملاء عام به دار آویخته شد که هنگام اجرای مراسم اوضاع به تشنج و درگیری کشیده شد. رئیس قوه قضائیه و سایر سران و رهبران حکومت اسلامی، مکررا از تشدید به اصطلاح مبارزه با مفاسد اجتماعی و سخت گیری بیشتر حمایت کردند و خواستار شدت عمل نیروهای انتظامی شدند. بدنبال آن نیروی انتظامی استان قم با صدور اطلاعیه ای تحت عنوان "مقابله با مصادیق آشکار فساد" در سطح اماکن عمومی و واحدهای صنفی، اعمال سرکوب و خسونت را آشکارا به عرصه های دیگری کشاند و سپس صدور اطلاعیه ای در ۲۶ مرداد توسط نیروی انتظامی در همین زمینه، موضوع را از دایره یک استان خارج ساخت و گستره اعمال سرکوب و توحش را باز هم وسیع تر ساخت و به مسئله، عمومیت بخشید! در اطلاعیه نیروی انتظامی، توزیع یا خرید و فروش هرگونه البسه، فرش یا تابلو، منقوش به تصاویر هنرپیشه گان، تصاویر بی حجاب و نیمه عریان، تصاویر زنان و مردان در حال نواختن موسیقی، عکس های مینیاتوری نیمه عریان از جمله مظاهر و مصادیق آشکار فساد

سرعت به یک قیام تبدیل شده است؛ این امر تنها نتیجه سرکوبگری رژیم نیست، بلکه ناشی از آن است که مردم آماده حرکت اند و نارضایتی به چنان مرحله ای رسیده است که کافی است تنها حرفه کوچکی زده شود تا از آن یک حریق بزرگ برخیزد. قیام عمومی مردم در هر منطقه ای که یک حرکت اعتراضی شکل می گیرد، و مراکزی که در این قیام های محلی مورد حمله مردم قرار می گیرند، به وضوح این حقیقت را نشان می دهد. مردم به بانکها حمله می کنند، چراکه آنها مظهر نظام سرمایه داری اند، سمبل ثروتهای افسانه ای ثروتمندان اند و مردم فقیر و گرسنه که از سیرکردن شکم فرزندان خود عاجزند، به این مظاهر سرمایه داری حمله می کنند. مردم به مراکز دولتی حمله می کنند، اینها سمبل اعمال حاکمیت رژیم وحشی و ستمگردد. مردم به مراکز مذهبی هجوم می برند، این نشانه نفرت آنها از حکومت دینی و از شیادانی

صفحه ۷

است که بیش از ۲۰ سال است با غارت و چپاول منابع ملی و دسترنج میلیونها کارگر و زحمت کش و بابرقراری سرکوب و خفقان، برای توده مردم جهنمی سوزان، و برای خود و خانواده و اعوان و انصارشان بر روی زمین بهشتی با نعمات و امکانات افسانه ای ساخته اند. شورش مردم سبزوار حلقه ای دیگر از زنجیره مبارزات کارگران و محرومان جامعه است که عوامل فقر و فلاکت و بی حقوقی خود را خوب شناخته اند. مذهب، بوروکراسی و سرمایه، مردم به مراکزی که سمبل حکومت دینی، بوروکراسی و نظام سرمایه داری اند حمله می برند. وقتی این شورش ها و اعتراضات و مبارزات به یک روند بهم پیوسته در سراسر ایران تبدیل شود، آنگاه طبقه کارگر و توده محروم مردم، ستمگران و استثمارگران را به بهشت آسمانی شان می فرستند تا خود در روی زمین به یک زندگی انسانی، به کار و نان و آزادی دست یابند.

بگذار بورژواها از وحشت آگاهی و تشکل یابی کارگران برخود بلرزند!

تلاش‌هایی که به ثمر می‌نشینند

از اتحاد سیاسی دفاع می‌کرد. سازمان ما، حزب کمونیست، سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، فعالین سیاسی در هلند مدافع اتحاد صفوف کمونیست‌ها و چپ‌های رادیکال، مدافعین وحدت انقلابی در دانمارک و برخی دیگر از مجامع و فعالین، از این ایده دفاع می‌کردند. گرایشاتی نیز وجود داشتند که آشکارا نظری در این مورد ابراز نکردند و تنها می‌شد استنباط‌های کلی از مواضع آنها داشت. به عنوان نمونه کارگران کمونیست نیز بر این مسئله تاکید داشتند که در پی ایجاد تشکل‌ها در کارخانه‌ها و صنوف است که می‌توان از مسئله تشکیل حزب سخن گفت. یک گرایش دیگر نیز در این اجلاس حضور داشت که حدودا با کمی تغییر از همان مواضع و پلتفرم اتحاد چپ کارگری دفاع می‌کرد. پس از آنکه گرایش‌های مختلف به تبیین توضیح نظرات خود پرداختند، نشان داده شد که گرایش عمومی اجلاس نه وحدت تشکیلاتی بلکه اتحاد سیاسی است. لذا قرار بر این شد که یک بیانیه سیاسی به نام شرکت کنندگان در این اجلاس منتشر شود و نکات مورد توافق جمع در مورد سرنوشت جمهوری اسلامی و استقرار یک دولت کارگری و شورایی در آن ذکر گردد و بر مبنای حداقل توافقات جمع که عبارت است از "سرنوشت جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی سرمایه داری و استقرار حکومت کارگری و شوراهای کارگران و زحمتکشان" همکاری‌های مشترکی آغاز گردد. یک کمیسیون نیز که نماینده گرایشات مختلف بود، این بیانیه را تهیه نمود که با اندکی اصلاحات در اجلاس به تصویب رسید. در جریان این اجلاس دو کمیسیون کارگری و زنان نیز تشکیل شدند که به شکلی متمرکز روی مسائل کارگری و زنان کارکنند. در پایان نیز یک هیئت ۱۵ نفره انتخاب شد که وظیفه هم آهنگی را تا اجلاس بعدی عهده دار باشد.

کارگر در ۸۰/۴/۷ برگزار شد، اینکه بعد از آن، جلسه مشترکی میان اعضاء هیئت موسس این کانون و اعضاء هیئت رئیسه مجمع عمومی اولیه با حضور مدیر کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار در ۸۰/۵/۳ برگزار گردید و بر غیر قانونی بودن جلسه ۸۰/۴/۷ تاکید گردید و بالاخره، اینکه سرانجام قرار شد در بیست و دوم شهریور سال جاری مجمع عمومی فراخوان داده شود و انتخابات آن برگزار شود، هر کارگر آگاهی می‌داند که این رفت و برگشت‌ها و بده بستانها هیچ ربطی به مشکلات و مطالبات واقعی کارگران ندارد و کسانی که در این مجامع بجای کارگران تصمیم می‌گیرند و یا انتخاب می‌شوند، هیچ صلاحیت و مقبولیتی در میان کارگران ندارند. طلیعه‌های یک جنبش اعتراضی وسیع کارگری که جرعه‌های آن به کرات در همین چند ماه اول سال جاری زده شده است، در حال رسیدن است. هیچ نیروی قادر نیست کارگران را در محاسبات سیاسی خود حذف کند. کارگران وارد میدان شده‌اند و بیش از این خواهند شد. کارگران ایران مستقل از اظهار نظر‌ها و قضاوت کارگزاران سرمایه و یا کسانی که عادت کرده‌اند بجای کارگران حرف بزنند، سیاسی شده‌اند، سیاسی هستند و بیشتر از این سیاسی خواهند شد. البته هیچ بورژوازی از این امر خرسند نیست چه بسا، بسیاریم وحشت دارد. کارگران به این درک و آگاهی رسیده‌اند که تشکل‌های مستقل خویش را، مستقل از خانه کارگر، مستقل از شوراهای اسلامی کار، مستقل از جناح‌ها و احزاب حکومتی، ایجاد کنند. کارگران به این درجه از آگاهی رسیده‌اند که از این رژیم و تشکل‌های فرمایشی کارگری هیچ نفعی به آنان نخواهد رسید و بایستی خود متشکل شوند و سرنوشت خویش را به دست گیرند. بگذار بورژواها از وحشت آگاهی و تشکل یابی کارگران برخود بلرزند!

کارگری را مسدود و یا آن را منحرف سازند. در عمل نیز مکرر نشان داده شده است که هر جا خانه کارگر تحت فشار از پائین مجبور شد تا محدوده‌ای با کارگران همراهی کند به قصد آنکه خواست و اعتراض کارگری را محدود و آن را کنترل نماید، اما قادر به این امر نباشد. کنترل از دستش خارج گردید و خود کارگران ابتکار عمل را به دست گرفتند. محیط‌های ناآرام کارگری و شرایط انفجاری در اکثر واحدهای تولیدی همراه با ارتقاء سطح آگاهی و همبستگی مبارزاتی کارگران، این تشکل‌های وابسته و همه کارگزاران دولتی را سخت به تکاپو انداخته است. آنان با تاکیدات بیشتری بر مسائل و مطالبات صنفی کارگری، بر این خیال و تصمیم اند هر چه زودتر کنگره فوق العاده‌ای برگزار کنند و با انجام پاره‌ای "اصلاحات" در ساختار تشکیلاتی خانه کارگر، نقش گذشته خویش را تداوم دهند. هر چند این مسئله کاملا روشن است که جناح-های حکومتی دامنه اختلافات خود را به امور کارگری نیز بسط داده و بر سر قدرت و بسط نفوذ خویش در محیط‌های کارگری، با هم درگیر شده‌اند و می‌شوند و دنبال موج سواری -اند، اما کنه قضیه در این حقیقت نهفته است که بورژوازی در هر حال احساس خطر کرده است و می‌خواهد سر نخ مسائل کارگری را خود در دست داشته باشد. مجموعه تحركات خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و نیز تلاش‌هایی را که زیر عنوان "کانون عالی انجمن -های صنفی کارگران" انجام میشود، بایستی در همین چارچوب ارزیابی نمود و هر کارگر آگاهی می‌داند که هیچکدام از اینها ربطی به کارگران، مطالبات و تشکل‌های مستقل آن ندارند. اینکه در تاریخ ۹/۱۲/۷۹ به دعوت "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران" مجمع عمومی "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران" برگزار گردید، اینکه باردیگر مجمع عمومی این کانون به فراخوان وزارت کار و خانه

مردم، در برابر توحش ایستاده‌اند!

همین شیوه به اجراء علنی حدود و مجازات الهی و اسلامی مشغول است و به بهانه مبارزه با "تخلفات صنفی" سرکوب و اختناق را در سایر زمینه‌ها نیز تشدید کرده است، اگر چه محمدی گیلانی، رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی، جلاد خون آشام قدیمی و پرسابقه، با وقاحت همیشگی گفت "ماحد می‌زنیم از پوست بگذرد، گوشت تن را له کند و اگر استخوان را شکست منعی نیست و حتی اگر زیر ضربه‌ها فرد بمیرد، دیه پرداخت نمی‌شود" و "مجازات زنا و لواط باید درملاء عام صورت گیرد و هیچ مانعی ندارد که آتش بیفروزند و فرد مجرم را در آن بیاندازند!" اگر چه رئیس دیوان عدالت‌داری رژیم علنا به طالبان غبطه خورد که مجازات و احکام اسلامی را بهتر از جمهوری اسلامی اجرا و پیاده کرده‌است و مرتجعین یک چنین‌الگوئی را در نظر دارند، و سرانجام اگر چه جنتی دبیر شورایی نگهبان بر ادامه اجرای حدود الهی درملاء عام درنماز جمعه نهم شهریور ماه تاکید نمود و این موضوع را مایه ننگ دانست که جمهوری اسلامی حتی به اندازه عربستان سعودی هم نتوانسته است این

زحمتکش از این وضعیت لبریز شده است به نحوی که هر روز علیه وضعیت موجود و علیه دستگاه حاکمه برمی‌آشوبند و دست به اعتصاب و راه پیمایی و شورش و قیام می‌زنند و "امنیت" آن را به خطر انداخته‌اند، با توسل به این وحشی‌گری‌ها می‌خواهد تخم رعب و وحشت را در دل جامعه بپاشد و از طریق اجرای "حدود الهی" "امنیت" آتش را تاملین کند. معهدا مستقل از نیات و اهداف حکومت اسلامی، این اقدامات، نه فقط کسی را مرعوب نساخته است که حتی به اعتراف دست اندر کاران حکومتی، نتایجی منفی نیز برای رژیم بیار آورده و مردم را بیش از پیش علیه رژیم برانگیخته است. از همین زاویه هم هست که نیروهای از درون حکومت نه با اصل و اساس احکام و مجازات اسلامی و حدود الهی، بلکه با اجرای علنی آن در لحظه حاضر مخالفت کرده‌اند. و از آنجا که اجراء علنی احکام و حدود الهی، مورد "وهن" اسلام می‌شود، آن را مغایر "مصلحت" نظام دانسته‌اند. این دسته، از جمله آقای رئیس جمهور که موافق ایجاد نظم و "امنیت" و اجرای مجازات اسلامی و احکام وحدود الهی هستند، اجرای آن در ملاء عام را "فعلا" به مصلحت نظام نمی‌دانند. اگر چه حکومت اسلامی چندین ماه است به

احکام و حدود را پیاده و اجرا نموده و "امنیت" را تامین کند، معهدا بسیار بسیار بعید است که جمهوری اسلامی بتواند موج تنفر و انزجار فزاینده مردم را خنثی نموده و به این شیوه ادامه دهد. جامعه در برابر این توحش و سخت‌گیری‌ها، آشکارا از خود عکس العمل مخالف نشان داده و می‌دهد. این مسئله کاملا روشن است که جمهوری اسلامی اگر می‌توانست از همان آغاز، تا به آخر به روش عربستان و طالبان عمل می‌کرد. اما ایران به هزارو یک دلیل که جای بحث آن اینجا نیست، نه عربستان است و نه افغانستان! هرکس این را می‌داند که تشدید فشار و سرکوب، خشونت عربیان و ایجاد فضای وحشت و ارعاب، آخرین حربه - ایست که رژیم برای نجات خود از آن استفاده می‌کند. اما حکومت اسلامی و سران آن مطمئن باشند که توده مردم مرعوب این وحشی‌گری‌ها نشده‌اند و نمی‌شوند، بالعکس برای نابودی همه مرتجعین و نظامی که باعث و بانی این توحش است و به سران حکومت اجازه می‌دهد این چنین گستاخانه به مردم اهانت کنند، با عزم راسخ‌تری وارد میدان می‌شوند و نظام حاکم، مرتجعین و آرزوهایشان را یک جا بگور می‌سپزند!

تلاش‌هایی که به ثمر می‌نشینند

کنفرانس هفتم سازمان ما در مردادماه سال ۱۳۷۸ با ارزیابی مجدد اوضاع سیاسی در ایران، براین نکته تاکید نمود که با توجه به عمیق تر شدن بحران سیاسی، ضروریست که هرچه فوری تر تلاش‌هایی را برای ایجاد وحدت در صفوف نیروهای چپ آغاز نمود و درعین حال تصریح نمود که نظریه اختلافات جدی که در میان سازمان‌ها و جریان‌ها وجود دارد، مناسب‌ترین شکل اتحاد، یک اتحاد پایدار سیاسی است. از اینرو باید با در نظر گرفتن نقاط اختلاف و اشتراک، برای ایجاد یک بلوک چپ انقلابی تلاش نمود. کمیته اجرائی منتخب کنفرانس سازمان، بی‌درنگ تلاش خود را در دو سطح آغاز نمود. در یک سطح با سازماندهی جلسات سخنرانی و بحث، نیاز به اتحاد سیاسی را تبلیغ و ترویج نمود و در سطح دیگر، طرح اتحاد سیاسی را با چند سازمان در میان گذاشت. پیگیری این مسئله به دو اجلاس مشترک با حضور نمایندگان سازمان ما، هسته اقلیت، اتحاد فدائیان و چریک‌های فدائی خلق انجامید. نتیجه کار این دو اجلاس صدور یک بیانیه مشترک بود که در آن با اشاره به ضرورت ایجاد نوعی از اتحاد سیاسی بین نیروهای جنبش کمونیستی و چپ، از تمام نیروهای متعلق به جنبش کمونیستی و چپ که به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان اعتقاد دارند، خواسته شده بود که در یک اجلاس به منظور بحث و تصمیم‌گیری در مورد همکاری و پلانتفرم ناظر بر آن شرکت کنند. هیئتی نیز جهت تدارک و برگزاری اجلاس انتخاب گردید و قرار شد با نیروهای دیگری که مایل به همکاری هستند و می‌خواهند در این زمینه حرکت کنند، هم‌آهنگی لازم صورت بگیرد که تعدادی از فعالین کمونیست آلمان نیز به این هیئت پیوستند. ادامه فعالیت‌های هم‌آهنگی و ارتباط و تماس با سایر سازمانها، مجامع و محافل به توافقی جدیدی انجامید که فراخوان مشترک ۱۱ اوت دوهزار ثمره آن بود. این فراخوان که توسط حزب کمونیست ایران، هسته اقلیت، حزب رنجبران، مجامعی از کمونیستهای آلمان و سوئد، مدافعین وحدت چپ انقلابی (دانمارک) سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، فعالین سیاسی در هلند مدافع اتحاد صفوف کمونیستها و چپ‌های رادیکال، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و سازمان فدائیان (اقلیت) امضاء

شده بود "از همه جریان‌ها، محافل و فعالین کمونیست و چپ" که به سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان به عنوان بدیل آن اعتقاد دارند، می‌خواست که در اجلاس مشترک شرکت کنند. سرانجام، این اجلاس با حضور ۱۰۷ تن از نمایندگان سازمانهای سیاسی، مجامع و محافل چپ، در تاریخ ۲۴ اوت ۲۰۰۱ تشکیل گردید و تا روز ۲۶ اوت به طول انجامید. علاوه بر نیروهای که فراخوان را امضاء کرده بودند، سازمانها و گروههای سیاسی دیگری نیز به عنوان ناظر در اجلاس حضور یافته بودند که برخی از آنها در جریان مباحث نشست فعالانه مشارکت نمودند و بیانیه سیاسی را نیز امضاء کردند. تعدادی از فعالین چپ نیز که به هیچیک از سازمان‌ها و محافل فوق‌الذکر وابسته نبودند، نیز در این اجلاس حضور داشتند.

با وجود این که گرایش‌های مختلفی در این اجلاس حضور داشتند، اما در مجموع روحیه تفاهم بر اجلاس حاکم بود و نشان می‌داد که برغم اختلاف نظرهای موجود، همه برای حصول به نوعی اتحاد تلاش می‌کنند. سخن‌رانی‌هایی که در اجلاس ایراد شد، بیانگر دیدگاههای مختلفی نسبت به مسئله اتحاد بود. معذا در نهایت دو گرایش اصلی وجود داشت. یک گرایش بر این عقیده بود که مسئله‌ای که در برابر نشست قرار گرفته، وحدت‌های حزبی و تشکیلاتی است و از هم اکنون باید "تشکیلات واحدی با کیفیت حزبی" ایجاد نمود و تشکل‌های موجود خود را در این تشکیلات منحل کنند. این گرایش عمدتاً توسط حزب رنجبران و راه آینده نمایندگی می‌شد. در مقابل این گرایش، گرایش دیگری وجود داشت که آشکارا از اتحاد سیاسی دفاع می‌کرد. برخی از مدافعین این گرایش در سخنرانی‌های خود، مسئله تشکیل یک حزب کمونیست واحد را بدون رابطه زنده و فعال با جنبش طبقه کارگر در نظر نگرفتند و اعلام نمودند که با وجود اختلافات موجود میان سازمانها و گرایش‌ها، مختلف و در حالی که شرایط عینی و ذهنی اتحادهای حزبی وجود ندارد نمی‌توان از وحدت‌های تشکیلاتی سخن گفت. این گرایش اساساً بر مبنای ارزیابی از اوضاع سیاسی ایران و در نظر گرفتن معضلات جنبش چپ،

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌ها را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

هلند
P . B . 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵۹۷۹۱۳۵۷ - ۶۹ - ۴۹

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaians-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaians-minority.org

KAR

Organization Of Fedaians (Minority)

No.364 augs 2001

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی